

نگهبان خاطرات تهران قدیم به خاک سپرده شد

داربوش تهاهی عکاس و مالک عکاسخانه «فتو تهاهی» بود که پنج جلد کتاب شامل عکس‌های تهران قدیم را منتشر کرد. او در قطعه نام‌آوران بهشت‌زهر(اس) به خاک سپرده شد.

محسن هاشمی، رییس شورای شهر تهران و احمد مسجدجامعی عضو این شورا در پیام‌هایی جداگانه، در گذشت این عکاس را به خانواده او تسلیت گفتند و این پیام‌ها در مراسم خاکسپاری تهاهی خوانده شدند.

داریوش تهاهی بامداد ۱۹ شهریورماه بعלת عارضه مغزی در تهران از دنیا رفت. پسر تهاهی پس از درگذشت پدرش، از تعطیل شدن عکسخانه تهاهی خبر داد.

به گزارش ایسنا، داریوش تهاهی وارث «عکسخانه تهاهی» بود. پدر او - جواد تهاهی - عکاس بود و از تهران عکس‌هایی را ثبت کرده که ارزش تاریخی زیادی دارند. داریوش تهاهی پس از درگذشت پدرش، در این عکسخانه کار کرد. او پیش از این اظهار کرده بود که می‌تواند از اجاره دادن مغازه پدرش، درآمد زیادی داشته باشد اما به‌خاطر عشق به عکس و عکاسی و آرشپوی که در این عکسخانه وجود دارد، ترجیح می‌دهد آن را به همین صورت نگه دارد.

تنظیف

خاله‌بازی دارا و سارا با برجام سابق!

هومن جعفری -این روزها صحبت بر سر این است که اگر آمریکا از برجام کنار بکشد، چه بکنیم؟

پیشنهادات زیر تقدیم می گردد:

۱- عین گروه‌های تلگرامی رفتار کنیم. همه با هم لغت بدهییم بعد یک گروه جدید راه بیندازیم آمریکا را اد نکنیم! اسمش را هم بگذاریم هر جام! یعنی هر کی جام می‌خواد بیادا!

۲- ما هم لغت بدهییم، آمریکا را هم بلاک کنیم! هر کس هم ما را مجدداً به گروه اد کرد، رپورتش کنیم!

۳- بر جام را به هم بزنییم، آمریکا را تحریم کنیم، اگر موگرینی

خواست بیاید ایران هم ممنوع‌السلفی‌اش کنیم!

۴- به اتحادیه اروپا ۴۸ ساعت فرصت بدهییم تا سفرای آمریکا را از خاک این کشور بیرون کنند. اگر این کار را نکنند، ۴۸ ساعت بیشتر بهشان فرصت دهیم. تجربه ثابت کرده مردم ایران بیشتر از ۷۲ ساعت چیزی یادشان نمی‌ماند!

۵- فعالیت‌های هسته‌ای خود را ادامه بدهییم، برجام را هم بی‌خیال شویم. اگر کشورهای دیگر خواستند در گروه بمانند اسم گروه را به خاله‌بازی دارا و سارا تغییر دهیم و لغت داده در افق محو شویم.

۶- به اتحادیه اروپا، چین و روسیه هشدار دهیم. اگر آمریکا را مثل پچه آدم برنگرداند داخل گروه، از بین آقایان سعید جلیلی، کوچکزاده و رسایی، هر سه نفر را به قید قرعه به عنوان نمایندگان ایران در هیات بازمینی برجام منصوب می‌کنیم. خوشدان در جا ترمز تلمپ را می‌کشند هیچ، با پس گردنی برش می‌گرداند داخل گروه!

۷- در گروه می‌مانیم و لغت نمی‌دهیم اما در جواب تمام صحبت‌های دیگر اعضای گروه سکوت کنیم. هر کس هم بی‌ام داد بلاکش کنیم. استوری‌مان را هم یک عکس از انگری بردز بگذاریم که بفهمند اوضاع کیشیمی‌اش است نزدیک نشوند! طبیعتاً همه این پیشنهادت در فضای تلگرامی مطرح شده. اگر آقای طریف و دوستان دیگر در وزارت امور خارجه نیاز به راهنمایی‌های بنده در فضای اینستاگرامی هم داشتند، بی‌ام بدهند در خدمتیم!

ادبیات

تازه‌های نشر چترنگ

سوان عاشق



یکی از خطرهای عشق آن است که عاشق را ترغیب می کند تا در ذهن شیدای خود، تصویری رویایی از معشوق ثبت کند.
رمان مصور سوان عاشق اقتباسی است که استغف اونه به خوبی از پس تصویرگری آن برآمده است. روزنامه گردین درباره این رمان مصور می‌نویسد: «اونه هنرمندی فوق‌العاده است. تصویرگری او می‌تواند همتایی برای نثر پیچیده پروسست باشد. تصویرهای دوست‌داشتنی این رمان مصور، هم به مخاطب اجازه می‌دهد که فکر خود را پرواز دهد و تصورات خود را بسازد و هم او را به تمرکز بر متن وامی‌دارد.»

انتشار آثاری از این دست در قالب رمان مصور، با حجمی کمتر و ظاهری متنوع‌تر، می‌تواند تجربه‌های خوشایند از مطالعه آثار کلاسیک برای خوانندگان مهیا کند. گفتنی است که بخش‌های دیگری از رمان در جست‌وجوی زمان از دست رفته نیز، با نام‌های کومبره، نام جلمه نام و در سایه دوشیزگان شکوفا، از سوی نشر چترنگ به صورت رمان مصور به چاپ رسیده‌اند.

مارمولک سیاه



شاهکلر ادوگاو رانپو روایت روده شدن دختر سرماهدار ثروتمند زاپنی توسط میدوریکلوا ملقب به مارمولک سیاه است. مارمولک سیاه در ازای تضمین سلامت فرزندش بارزنش‌ترین جواهر جهان، سنباره مصری، را طلب کرده است و آقای ایواسه شوثنی به

خوبی می‌داند که برای نجات جان دخترش به کمک بزرگ‌ترین کارآگاه وقت زاپن نیاز دارد...

رانپو با مارمولک سیاه مخاطب خود را به قعر روح و جان آدمی می‌برد و به تاریکی‌های وجودی او نفوذ می‌کند. اثری که پس از گذشت سال‌ها از انتشار آن ذرای از انتشارش کاسته نشده است و جزو پرطرفدارترین‌های این ژانر محسوب می‌شود. در سال ۱۹۶۸ مارمولک سیاه از قاب کارگردانی کینجی فوکاساکو وارد دنیای هنر هفتم شد. مارمولک سیاه می‌تواند مقدمه زیبایی به آثار ادوگوارانپو، ادگار آل پوی قرن بیستم، باشد. رانپو نویسنده مدرن زاپنی است که بسیاری او را پدر ادبیات پلیسی زاپن می‌نامند. او با تاسیس بنیاد نویسنده‌های آثار معمایی نام خود را برای همیشه به عنوان تاثیرگذارترین نویسنده ادبیات پلیسی زاپن ماندگار کرد.

نشر چترنگ از همین نویسنده رمان شکار و تاریکی و مجموعه‌داستان اتاق قرمز را نیز منتشر کرده است.

مارمولک سیاه را محمود گودرزی به فارسی برگرداند و انتشارات چترنگ آن را در ۱۶۴ صفحه و به قیمت ۱۴ هزار تومان منتشر کرده است.

روزنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی



۲۳ شهریور ۱۳۹۶
۲۲ دیچهه ۱۳۸۸
۱۴ سپتامبر ۲۰۱۷

عضوانجمن سفیر روزنامه‌های غیر دولتی و تعاونی مطبوعات

این‌نامه‌های‌فرهنگی‌ایران‌http://www.jahanesanat.ir

اذان صبح ۵:۴۱

طلوع خورشید ۶:۴۶

اذان ظهر ۱۲:۵۹

غروب خورشید ۱۹:۱۳

اذان مغرب ۱۹:۳۱

نیمه شب شرعی ۱۱:۰۷

اهواز اردبیل اصفهان تهران تبریز گرگان شیراز یزد مشهد زنجان

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمدرضا سعدی

قائم مقام مدیر مسئول: محمدرضا عدل

سرمدیر: مسعود سلیمی

تلفن ویژه مدیر مسئول: ۸۸۷۶۶۱۵۱

تلفن تحریریه: ۸۸۷۲۱۹۵۲، ۸۸۷۲۱۹۵۳، ۸۸۷۲۱۹۱۶

نمبر: ۸۸۷۲۱۴۲۱

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۰۴۰۵۸۸۲۴۷۷۲۲

نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهشتی- خیابان دهم غربی

پلاک ۱۰- واحد ۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۲۸۸۸

روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵

لینوکرافی و چاپ: ایرانچاپ

www.jahanesanat.ir

www.jahan1383@yahoo.com

www.jahanesanat.ir

اگر فردا بپاید

مهمان امروز: سیدنی شلدون

سیدنی شلدون، ۱۱ فوریه سال ۱۹۱۷ در شیکاگوی آمریکا به دنیا آمد. وی پس از گذراندن ۶ ماه در دانشکده Northwestern در دوران رکود اقتصادی آمریکا، ناگزیر شد به حمایت مالی خانواده بپردازد و برای این کار به عنوان طنزنویس رادیو شروع به کار کرد.

شلدون همچنین طی مدت‌های طولانی در هالیوود، نوشتن نقد فیلم‌ها و مشاوره در ساختن تعدادی از فیلم‌های درجه دو، کم‌کم پا به عرصه ادبیات و نوشتن گذاشت.

بعد از وقفه‌ای که در طول جنگ جهانی دوم برایش به وجود آمد، دوباره به دنیای علاقه‌مندی‌هایش بازگشت و شروع به نوشتن تئاترهای موزیکال برای تئاتر برادوی کرد و در همین حال همزمان کار خود را با نوشتن فیلمنامه برای دو کمپانی بزرگ تولید فیلم، «MGM» و «پارامونت» ادامه می‌داد. شلدون طی این سال‌ها برای برنامه‌های تلویزیون، فیلمنامه می‌نوشت، تا اینکه سال ۱۹۴۷ اولین جایزه آکادمیک خود را برای نمایشنامه‌هایش دریافت کرد. او ۱۲ سال بعد جایزه Tony Award را برای فیلم موزیکال «مو قرمز» از آن خود کرد.

اما سال ۱۹۶۹، سیدنی شلدون با نوشتن اولین رمان خود «صورت‌های عریان» و کسب جایزه معتبر ادگار آلن پو، نامش را هم‌دیدف پرفروش‌ترین نویسنده‌گان زمان خود قرار داد.

پس از آن با نوشتن رمان «آن سوسوی نیمه‌شب» که عنوان پرفروش‌ترین رمان سال را به خود اختصاص داد، توانست جایگاه خود را در میان مخاطبان تثبیت کند. از این پس دیگر

نوشتن رمان برای شلدون تبدیل به یک کار تمام‌وقت شده و او تمام ذهنش را روی رمان‌هایش متمرکز کرده بود.

حسین علیزاده در اختتامیه جشنواره «کهن آواهای تنبور»: موسیقی به لطف کسی نیاز ندارد



نیاز به عنوان شوالیه ندارد و این عنوان به او ارزش نمی‌دهد، استاد ناظری در قلب مردم جا دارد و قلب ما برای او می‌تپد.

در این مراسم که با حضور هنرمندانی همچون شهرام ناظری، کیهان کلهر، حسین علیزاده، محمدرضا درویشی، علی‌اکبر شکارچی و علی‌اکبر مرادی، همزمان با افتتاح خانه تنبور، سه‌شنبه شب گذشته (۲۱ شهریور) برگزار شد، علی شبستری مدیر اجرایی جشنواره گفت: در این جشنواره ۷۰ نوازنده تنبور و مقام‌خوان حضور داشتند که در دو بخش گروه‌نوازی (۱۳ گروه) و تکنوازی و مقام‌خوانی با هم به رقابت پرداختند. او با اشاره به قدمت پنج هزار ساله ساز تنبور گفت: انتقال موسیقی سنتی به عنوان یک میراث به آیندگان از اهداف برپایه

این جشنواره بود که به همت خانه تنبور و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و شهرستان دالاهو برگزار شد.

نیاز به عنوان شوالیه ندارد و این عنوان به او ارزش نمی‌دهد، استاد ناظری در قلب مردم جا دارد و قلب ما برای او می‌تپد.

در این مراسم که با حضور هنرمندانی همچون شهرام ناظری، کیهان کلهر، حسین علیزاده، محمدرضا درویشی، علی‌اکبر شکارچی و علی‌اکبر مرادی، همزمان با افتتاح خانه تنبور، سه‌شنبه شب گذشته (۲۱ شهریور) برگزار شد، علی شبستری مدیر اجرایی جشنواره گفت: در این جشنواره ۷۰ نوازنده تنبور و مقام‌خوان حضور داشتند که در دو بخش گروه‌نوازی (۱۳ گروه) و تکنوازی و مقام‌خوانی با هم به رقابت پرداختند. او با اشاره به قدمت پنج هزار ساله ساز تنبور گفت: انتقال موسیقی سنتی به عنوان یک میراث به آیندگان از اهداف برپایه

این جشنواره بود که به همت خانه تنبور و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و شهرستان دالاهو برگزار شد.

نیاز به عنوان شوالیه ندارد و این عنوان به او ارزش نمی‌دهد، استاد ناظری در قلب مردم جا دارد و قلب ما برای او می‌تپد.

در این مراسم که با حضور هنرمندانی همچون شهرام ناظری، کیهان کلهر، حسین علیزاده، محمدرضا درویشی، علی‌اکبر شکارچی و علی‌اکبر مرادی، همزمان با افتتاح خانه تنبور، سه‌شنبه شب گذشته (۲۱ شهریور) برگزار شد، علی شبستری مدیر اجرایی جشنواره گفت: در این جشنواره ۷۰ نوازنده تنبور و مقام‌خوان حضور داشتند که در دو بخش گروه‌نوازی (۱۳ گروه) و تکنوازی و مقام‌خوانی با هم به رقابت پرداختند. او با اشاره به قدمت پنج هزار ساله ساز تنبور گفت: انتقال موسیقی سنتی به عنوان یک میراث به آیندگان از اهداف برپایه

این جشنواره بود که به همت خانه تنبور و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و شهرستان دالاهو برگزار شد.

نیاز به عنوان شوالیه ندارد و این عنوان به او ارزش نمی‌دهد، استاد ناظری در قلب مردم جا دارد و قلب ما برای او می‌تپد.

محسن شریفیان:به آینده‌نی‌انبان خوشبینم

محسن شریفیان گفت: زمانی نواختن نی‌انبان در بوشهر با محدودیت‌های زیادی همراه بود. خانواده من نیز یکی از مخالفان نواختن این ساز بودند.اما خوشحالم که وضعیت این‌ساز در بوشهر فرق کرده و من به آینده نی‌انبان خوشبین هستم.

این نوازنده جنوبی و سرپرست گروه موسیقی «لیان» در نشست ورومانیای از کتاب و لوح فشرده آموزش نی‌انبان که ظهر دیروز در موسسه توسعه هنرهای معاصر برگزار شد، در

اذان صبح ۵:۴۱	طلوع خورشید ۶:۴۶	اذان ظهر ۱۲:۵۹	غروب خورشید ۱۹:۱۳	اذان مغرب ۱۹:۳۱	نیمه شب شرعی ۱۱:۰۷
اهواز اردبیل اصفهان تهران تبریز گرگان شیراز یزد مشهد زنجان					
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمدرضا سعدی					
قائم مقام مدیر مسئول: محمدرضا عدل					
سرمدیر: مسعود سلیمی					
تلفن ویژه مدیر مسئول: ۸۸۷۶۶۱۵۱					
تلفن تحریریه: ۸۸۷۲۱۹۵۲، ۸۸۷۲۱۹۵۳، ۸۸۷۲۱۹۱۶					
نمبر: ۸۸۷۲۱۴۲۱					
تلفن سازمان آگهی‌ها: ۵-۰۴۰۵۸۸۲۴۷۷۲۲					
نشانی: میدان آرژانتین- بلوار بهشتی- خیابان دهم غربی					
پلاک ۱۰- واحد ۲					
شماره پیامک: ۳۰۰۰۲۸۸۸					
روابط عمومی: ۸۸۷۲۱۳۲۵					
لینوکرافی و چاپ: ایرانچاپ					
www.jahanesanat.ir					
www.jahan1383@yahoo.com					
www.jahanesanat.ir					



فیلالدفیا مجموعه‌ای خیره‌کننده از چیزهای دیدنی و انجام‌داندی بود. شنبه‌شبا

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

فیلالدفیا مجموعه‌ای خیره‌کننده از چیزهای دیدنی و انجام‌داندی بود. شنبه‌شبا

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

فیلالدفیا مجموعه‌ای خیره‌کننده از چیزهای دیدنی و انجام‌داندی بود. شنبه‌شبا

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

فیلالدفیا مجموعه‌ای خیره‌کننده از چیزهای دیدنی و انجام‌داندی بود. شنبه‌شبا

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران سو سیتی هیل را جست‌وجو کردند. آنها در رستوران‌های بسیار گران فیلالدفیا شام خوردند.

تریسی و چارلز به تماشای باله یا شنیدن موسیقی ارکستر فیلارمونیک رفتند و در طول هفته محله نیومارکت و مغازه‌های دیدنی گران